

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توجه

همه امتیازهای این پایان نامه به دانشگاه بوعلی سینا همدان تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب این پایان نامه در مجلات، کنفرانس ها و سخنرانی ها باید نام دانشگاه بوعلی سینا و نام دانشجو (یا اساتید راهنما) با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود، در غیر این صورت پیگرد قانونی دارد.



دانشگاه بوعلی سینا
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی عنصر حکمت در قصیده‌ی مقصوره‌ی ابن درید

استاد راهنما:

دکتر فرامرز میرزایی

استاد مشاور:

دکتر سید مهدی مسبوق

نگارش:

زهرا سایه‌وند

سال ۱۳۸۹

تقدیم:

به آنان که با درک حکمت ،

در پی کشف

حقیقت و انسانیت اند .

تقدیر و تشکر

پیش از سپاس، ناتوانی‌ام بر سپاس را بپذیر ای کریم بی همتا، که یکایک لطف‌های بی شمارت را تا انتهای بی نهایت سپاسگذارم.

با سپاس از استاد راهنمای بزرگوارم، جناب آقای دکتر فرامرزمیرزایی که گوهر علم خویش را به زیور تقوا و کمالات انسانی آراسته اند و با سیرتی به پاکی آسمان و به نورانیت خورشید، هزاران تشنه کام معرفت را بر بال اندیشه نشانیده اند. ایشان که همراهی و حمایتشان را هیچ گاه از من دریغ نکردند و از محضرشان درس علم و اخلاق را فرا گرفتم.

از استاد مشاور ارجمندم، جناب آقای دکتر سیدمهدی مسبوق که از چشمه‌ی جوشان فضل و ایمان و علم خود بر من نوشانی‌دند و از رهنمودهای ارزنده‌ی ایشان در نگارش پایان نامه بهره‌ها بردم، سپاسگذارم.

از خانواده‌ی عزیز و مهربانم مخصوصاً پدر و مادر دلسوزم که همراه همیشگی من در تمام مراحل زندگی بوده‌اند، و زبانم از بیان لطف و مهربانی‌های بی دریغ ایشان عاجز است، صمیمانه تشکر و قدر دانی می‌کنم.

از اساتید محترم، جناب آقای دکتر علی باقر طاهری نیا، جناب آقای دکتر مرتضی قائمی، جناب آقای دکتر سید حسن سید فاتحی، جناب آقای ناصر قره خانی، جناب آقای دکتر علیرضا منوچهریان، و خانم دکتر زهرا افضلی، که در دو مقطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد افتخار شاگردی در کلاس درس ایشان را داشته‌ام، بسیار سپاسگذارم.

از مسؤول محترم تحصیلات تکمیلی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، خانم دکتر محمد آهی کمال تشکر را دارم.

و در نهایت سپاس از هر یاری دهنده‌ای که وسعت همراهی‌اش حتی به قدر لحظه‌ای، مرا به سپاسی ابدی موظف نمود. از دوست عزیزم خانم مریم رحمتی ترکاشوند و همچنین همکلاسی‌های خوبم بسیار تقدیر و تشکر می‌کنم.



دانشگاه بوعلی سینا

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی

عنوان: بررسی عنصر حکمت در قصیده مقصوره ابن درید		
نام نویسنده: زهرا سایه وند		
نام استاد/اساتید راهنما: دکتر فرامرز میرزایی		
نام استاد/اساتید مشاور: دکتر سید مهدی مسبوق		
گروه آموزشی: زبان و ادبیات عرب		دانشکده : ادبیات و علوم انسانی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	گرایش تحصیلی: ادبیات محض	رشته تحصیلی: زبان و ادبیات عرب
تعداد صفحات: ۸۷	تاریخ دفاع: ۸۹/۱۱/۱۶	تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۱۰/۲۰

چکیده:

در تعیین میزان جاودانگی یک اثر ادبی عوامل مختلفی مؤثر هستند، یکی از این عوامل میزان بار معنایی است که ادیب توانسته است آن را به مخاطب انتقال دهد. از آنجا که شعر حکمی بار معنایی بالایی دارد، قصیده مقصوره ابن درید توانسته است ضمن انتقال مفاهیم حکمی به مخاطب، در شمار اشعار جاودانه جهانی قرار گیرد . حکمت به عنوان تجربه‌ای گران بها که فرد حکیم آن را در اختیار دیگران قرار می‌دهد، عبارت است از درک عمیق امری یا حقیقتی فراتر از ظاهر آن امر یا حقیقت. و در حقیقت توجه فرد حکیم بیشتر به باطن امور است تا ظاهر آن و در شعر حکمی اندیشه‌های اخلاقی، دینی، عرفانی و فلسفی شاعر بیان می‌شود و جهان بینی شاعر حضور پیدا می‌کند، ابن درید در این قصیده به بیان حکمت‌ها با زبانی ادبی پرداخته است، شاعر در عصر عباسی، یعنی عصری که شاهد حضور گسترده ایرانیان در فرهنگ و تمدن اعراب هستیم، به سرایش قصیده‌ای در مدح ایرانیان (آل میکال) می‌پردازد . شاعر در این قصیده تحت تاثیر حکمت‌های دینی و ایرانی (پند و اندرزها) قرار گرفته: از بخش‌های مشهود این قصیده حضور شخصیت‌های تاریخی است، و در حقیقت این شخصیت‌ها به عنوان الگو یی هستند برای بیان گویاتر حکمت‌ها .

واژه‌های کلیدی: حکمت، ابن درید، مقصوره، آل میکال

فصل اول: کلیات پژوهش

- ۱-۱- پیشگفتار..... ۱
- ۲-۱- تعریف مساله و بیان نکات اصلی تحقیق اصلی..... ۱
- ۳-۱- فرضیه‌ها..... ۲
- ۴-۱- سابقه و ضرورت انجام پژوهش..... ۲
- ۵-۱- هدف از انجام پژوهش..... ۲
- ۶-۱- روش انجام تحقیق..... ۳

فصل دوم: ابن درید و روزگار او

- ۱-۲- نگاهی به زندگی ابن درید..... ۵
- ۱-۱-۲- استادان و شاگردان ابن درید..... ۶
- ۲-۱-۲- مذهب ابن درید..... ۶
- ۳-۱-۲- آثار..... ۷
- ۴-۱-۲- دیوان ابن درید..... ۷
- ۲-۲- آل میکال..... ۸
- ۳-۲- عصر عباسی آغاز عصر طلایی..... ۱۰
- ۱-۳-۲- اوضاع علمی و ادبی در عصر عباسی..... ۱۱

فصل سوم: حکمت در قصیده مقصوره ابن درید

- ۱-۳- مقدمه..... ۱۴
- ۲-۳- حکمت در فرهنگ لغوی..... ۱۴
- ۱-۲-۳- تعریف حکمت..... ۱۵
- ۲-۲-۳- مراتب حکمت..... ۱۷
- ۳-۲-۳- ارزش حکمت و منزلت حکما..... ۱۷
- ۴-۲-۳- اهمیت حکمت و اخلاق در آئینه قرآن و روایات..... ۱۸
- ۵-۲-۳- پیدایش حکمت‌ها..... ۱۸
- ۶-۲-۳- شعر حکمی..... ۱۹
- ۷-۲-۳- حکمت و ابن درید..... ۲۲
- ۳-۳- مقصوره..... ۲۲
- ۱-۳-۳- پیشوای مقصوره‌سرای..... ۲۴
- ۲-۳-۳- اغراض مقصورات..... ۲۵
- ۳-۳-۳- مقصوره ابن درید..... ۲۸
- ۴-۳-۳- ابیات مقصوره..... ۲۹

- ۲۹.....تأثیر گذاری مقصوره.....۵-۳-۳
- ۳۲.....مضامین حکمی در مقصوره این درید.....۴-۳
- ۳۳.....فضائل و رذائل اخلاقی در مقصوره.....۱-۴-۳
- ۳۳.....صبر.....۱-۱-۴-۳
- ۳۳.....قناعت.....۲-۱-۴-۳
- ۳۴.....تلاش و کوشش.....۳-۱-۴-۳
- ۳۵.....وفای به عهد.....۴-۱-۴-۳
- ۳۵.....دوری از تکبر.....۵-۱-۴-۳
- ۳۶.....کمال طلبی.....۶-۱-۴-۳
- ۳۶.....دوری از طمع ورزی.....۷-۱-۴-۳
- ۳۶.....عفت در گفتار و رفتار.....۸-۱-۴-۳
- ۳۷.....حکمت‌های تربیتی و ارشادی.....۲-۴-۳
- ۳۷.....سختی‌ها.....۱-۲-۴-۳
- ۳۸.....امید.....۲-۲-۴-۳
- ۳۸.....روزگار.....۳-۲-۴-۳
- ۴۰.....گذشت عمر.....۴-۲-۴-۳
- ۴۱.....قضا و قدر.....۵-۲-۴-۳
- ۴۲.....عبرت گرفتن از دیگران.....۶-۲-۴-۳
- ۴۲.....مرگ.....۷-۲-۴-۳
- ۴۴.....هوای نفس.....۸-۲-۴-۳
- ۴۵.....اعتدال در کارها.....۹-۲-۴-۳
- ۴۵.....حفظ آبرو.....۱۰-۲-۴-۳
- ۴۵.....خیر و شر.....۱۱-۲-۴-۳
- ۴۶.....جوانی و پیری.....۱۲-۲-۴-۳
- ۴۶.....ظلم.....۱۳-۲-۴-۳
- ۴۷.....حب و بغض.....۱۴-۲-۴-۳
- ۴۷.....غنا.....۱۵-۲-۴-۳
- ۴۸.....فقر.....۱۶-۲-۴-۳
- ۴۸.....عقل.....۱۷-۲-۴-۳
- ۴۹.....جهل.....۱۸-۲-۴-۳
- ۴۹.....دور اندیشی.....۱۹-۲-۴-۳
-مکلف کردن نفس به ما لا یطیق.....۲۰-۲-۴-۳
-نام نیک.....۲۱-۲-۴-۳
- ۵۱.....لغزش انسان.....۲۲-۲-۴-۳

- ۳-۴-۲۳- ناپایداری دنیا..... ۵۲
- ۳-۵- بینا متنی و حکمت در مقصوره..... ۵۲
- ۳-۶- مضمون‌های مشترک مقصوره‌ی ابن درید و ادبیات عربی و فارسی..... ۵۷
- ۳-۷- فراخوانی شخصیت‌ها..... ۶۲
- ۳-۷-۱- امرؤالقیس..... ۶۲
- ۳-۷-۲- وضاح (جذیمه‌الابرش)، قصیر، عمر (ابن اخت جذیمه)..... ۶۳
- ۳-۷-۳- عمرو بن المنذر..... ۶۳
- ۳-۷-۴- سیف بن ذی یزن..... ۶۴
- ۳-۷-۵- ابو العباس اسماعیل..... ۶۵
- ۳-۷-۶- عبد الرحمن ابن محمد بن الاشعث ابن قیس الکندی (ابن الأشج)..... ۶۵

فصل چهارم: تأثیر پندهای ایرانی بر مقصوره ابن درید

- ۴-۱- تأثیر گذاری ایرانیان بر اعراب..... ۶۸
- ۴-۱-۱- مراحل آمیختگی آثار فارسی با ادبیات عربی..... ۶۸
- ۴-۱-۲- توجه ایرانیان به پند..... ۶۹
- ۴-۱-۳- پادشاهان ساسانی و پند و اندرز..... ۷۳
- ۴-۱-۴- حکمای ایرانی..... ۷۳
- ۴-۱-۴-۱- خسرو انوشیروان..... ۷۳
- ۴-۱-۴-۲- بهمن..... ۷۵
- ۴-۱-۴-۳- آذر باد..... ۷۶
- ۴-۱-۴-۴- قباد..... ۷۶
- نتیجه گیری..... ۷۸
- فهرست منابع..... ۷۹
- چکیده‌ی عربی (الملخص).....
- چکیده‌انگلیسی.....

فصل اول

کلیات پژوهش

یکی از عوامل اصلی جاودانگی شعر و ادب، به میزان بار معنایی و تاثیر گذاری آن بستگی دارد، و هر قدر شاعری بتواند این مسئولیت را بهتر بر عهده بگیرد، به جاودانگی نام خود و اثرش کمک نموده است. از عناصر مهمی که می‌تواند بار معنایی شعر را بالا ببرد، وجود مضمون حکیمانه در شعر است که بر حکیم بودن شاعر دلالت دارد و افکار و اندیشه‌های انسانی او را آشکار می‌نماید. و متنی که سخنان حکیمانه در آن نباشد آن متن از نظر اعتبار در نزد افکار از درجه اعتبار پائین برخوردار است. به وسیله حکمت عمق حقایق امور شناخته می‌شود و شاعر به واسطه کلام خود ارتباط حکیمانه‌ای را با مخاطب برقرار می‌نماید. پژوهش حاضر حاصل بررسی و تحلیل حکمت‌های قصیده مقصوره ابن درید است که مطالب آن در ۴ فصل گرد آمده است. فصل اول شامل کلیات پژوهش، فصل دوم مختصری است از زندگینامه ابن درید و ویژگی‌های علمی و ادبی و خاندان وی مورد مطالعه قرار گرفته است، در فصل سوم عنصر حکمت در قصیده مقصوره، و در فصل چهارم تاثیر پندهای ایرانی بر این قصیده، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۱-۲- تعریف مساله و بیان نکات اصلی تحقیق

ابو بکر محمد بن درید ازدی- به گفته یاقوت حموی: دانشمند ترین شعرا و شاعرترین دانشمندان-، لغت شناس، نحوی، ادیب و شاعر دوره عباسی است. زمانی که به آل میکال در ایران پیوست قصیده ۲۵۶ بیتی سرود که مشهور به «مقصوره» گردید. علما و ادبا به این قصیده توجه زیادی داشته‌اند به گونه‌ای که شعرای بسیاری به معارضه، تخمیس، شرح، ترجمه و ترکیب مقصوره وی پرداخته‌اند. و حدود ۴۵ شرح بر آن نوشته شده است چرا که سرشار از پند و اندرز و حماسه و وصف و فخر است. به نظر می‌آید این قصیده نخستین قصیده طولانی در ادبیات عربی است که دارای پیوستگی و وحدت موضوعی می‌باشد. «هوتسما^۱» ترجمه لاتینی آن را به چاپ رسانده است.

عنصر حکمت (عنصر عقلی)، یکی از چهار رکن نقد شعر در نقد کهن عربی است و به تجربه گران- بهایی گفته می‌شود که با عبارتی زیبا و خردمندانه بیان می‌گردد. حکمت حالتی است که در آن آگاهی از حقایق امور در عمق وجود حکیم ریشه می‌دواند و در ضمیر وجدانش می‌نشیند.

اکنون با توجه به نکات ذکر شده پرسش‌های زیر مطرح می‌گردد:

۱- شاعر در قصیده خود، از چه نوع حکمت‌ها و اندرزهایی استفاده بیشتری کرده است؟

^۱ -hootsma

- ۲- در بیان حکمت، قصیده مقصوره با کدام متون پیوند بیشتری دارد؟
- ۳- آیا ابن درید از پند و اندرزهای ایرانی رایج در دوره‌ی عباسی بهره برده است؟
- ۴- شاعر در بیان حکمت چگونه از فراخوانی‌های شخصیتی بهره برده است؟

۱-۳- فرضیه‌ها

- فرضیه‌هایی که در خصوص مسأله‌ی تحقیق مطرح می‌گردد عبارتند از:
- ۱- بیشتر حکمت‌های به کار رفته در قصیده مقصوره، اخلاقی و دینی و پند و اندرز است.
- ۲- با متون قرآنی و ادبی درگیری بیشتری دارد.
- ۳- ابن درید از حکمت‌ها و پند و اندرزهای ایرانی بهره برده است.
- ۴- شاعر با استفاده از شخصیت‌ها حکمت‌ها را ملموس‌تر و واقعی‌تر بیان نموده است.

۱-۴- سابقه و ضرورت انجام پژوهش

جایگاه شعری ابن درید به گونه‌ای است که آثار فراوانی درباره ابعاد گوناگون نبوغ شعری و علمی وی به رشته تحریر در آمده است و شروح متعددی بر مقصوره وی نگاشته شده است. درباره شرح مقصوره وی نیز کتاب‌های فراوانی نوشته شده است از جمله:

الجوالیقی، ابو منصور، شرح مقصوره ابن درید، تحقیق الدكتورین: حاتم صالح الضامن و عبد المنعم احمد التکریتی، مرکز جمعة الماجد للثقافة و التراث .

راجی الاسمر، (۱۴۱۵هـ-۱۹۹۵م)، دیوان ابن درید و شرح مقصوره للخطیب التبریزی، الناشر دار الکتاب العربی، الطبعة الاولي.

اللخمي. محمد بن احمد بن هشام. (۱۴۰۰هـ-۱۹۸۰م) ، الفوائد المحصورة في شرح المقصورة، عطار. احمد عبد

الغفور(تحقیق) ، الطبعة الاولي، منشورات: دار مكتبة الحياة، بیروت-لبنان.

این کتاب‌ها به بررسی و شرح ابیات مقصوره از جنبه‌های مختلف پرداخته‌اند، اما در هیچ یک به تحلیل حکمت‌های آن پرداخته نشده است. بررسی و شناخت خلاقیت شاعر در کاربرد حکمت‌ها زوایایی از زیبایی و هنر شعری وی را آشکار می‌سازد و آثار او بیشتر مورد بهره‌برداری مخاطب قرار می‌گیرد.

۱-۵- هدف از انجام این پژوهش:

هدف آشنایی با روند و شیوه به کارگیری حکمت در اشعار دوره عباسی، و شناخت جایگاه حکمت در مقصوره ابن درید در جهت بهره‌مندی بیشتر از سخنان حکیمانه شاعر می‌باشد.

۱-۶- روش انجام تحقیق:

به روش توصیفی- تحلیلی و با جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و شرح و توضیح ابیات می‌توان، فرضیه‌ها را رد یا اثبات کرد.

فصل دوم

ابن درید و روزگار او

۲-۱- نگاهی به زندگی ابن درید

ابو بکر محمد بن حسن بن درید ازدی، لغت شناس، نحوی، ادیب و شاعر عرب. نسبت او را همگان، از ابو طیب لغوی گرفته تا خطیب و یاقوت به قبیله ازد رسانده‌اند. این قبیله بزرگ یمنی، پیش از ظهور اسلام، به عمان کوچید و به ازد عمان مشهور شد، خاندان ابن درید نیز از بزرگان قبیله بود. بنا به روایتی که از خود وی نقل شده است، او در کوی صالح بصره زاده شد. اما در این که چند سال زیست، اندکی اختلاف کرده‌اند و چون تاریخ وفات مسلم است، ناچار تاریخ ولادت جا به جا شده و تاریخ‌های زیر به دست آمده است: ۲۲۸ق، ۲۲۴ق، و ۲۲۳ق که صحیح‌ترین آنهاست از قول خود او یا شاگردش ابو الحسین نقل شده است، به هر حال وی که گویا پدر را از دست داده بود، تحت تکفل عمویش حسین بن درید قرار گرفت (آذرنوش، ۱۳۷۴: ص ۴۹۹). ابو بکر بن درید از عموی خود کتاب مسالمت الاشراف را روایت کرده است (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ص ۶۷).

ابن درید چون درگذشت در گورستان عباسیه بغداد در جانب شرقی، پشت بازار «سلاح» یا گورستان «خیزران» به خاکش سپردند. حادثه‌ای که در آن روز رخ داد و نظر همه را جلب کرد، آن بود که از در دیگر گورستان، جنازه جبایی متکلم معروف را به درون می‌آوردند و مردم می‌گفتند: «لغت و کلام هر دو مردند» (قفطی، ۱۳۸۵هـ: ص ۲۴۶).

و وقتی که ابن درید درگذشت جحظه البرمکی در رثای او چنین سرود:

فقدتُ باین درید کل فائدة لما غدت ثالث الاحجار و التراب
و كنت ابكي لفقد الجود منفرداً فصرت ابكي لفقد الجود و الادب
(راجی اسمر، ۱۴۱۵هـ: ص ۲۷۴)

ابو علی قالی می‌گوید آخرین کلامی که از ابن درید شنیدم این بود که به من در جواب سوالی گفت ای فرزندم «حال الجریض دون القریض» که این سخن او به ضرب المثلی تبدیل شد و جریض همان غصه است و قریض یعنی شعر و معنای این سخن او این است که غصه و اندوه مانع سرودن شعر شده است (ابن درید، ۱۳۶۲هـ، ص ۱۲).

ابو الطیب لغوی در کتاب مراتب النحویین گوید: ابن درید کسی است که لغت بصریان به او منتهی می‌شود. علم و شعر در یک سینه جای نگرفتند مگر در سینه خلف الاحمر و ابن درید. وی مدت شصت سال در علم ریاست داشت. خطیب گوید که ابن درید می‌گفت: نخستین فرد از پدران من که اسلام آورد حمّامی بود و او در زمره هفتاد تن سواری بود که چون خبر وفات رسول الله را شنیدند با عمرو بن العاص از عمان به مدینه رفتند (حموی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۸۲).

۲-۱-۱- استادان و شاگردان ابن درید

استادان ابن درید از پیشگامان عربی بوده‌اند مثل، ابن اخی الاصمعی، و الریاشی، و ابی حاتم السجستانی، و شاگردان او نیز از بزرگان برجسته بوده‌اند و فقط کافی است به بعضی از آن‌ها اشاره کنیم: السیرافی، و المرزبانی، و ابو الفرج الاصبهانی، و ابو علی القالی، و ابن خالویه (لخمی، ۱۴۰۰هـ: ص ۲۲).

شاگردان و راویان او نزدیک به ۶۴ تن بوده‌اند از جمله شاگردان او ابو الحسین علی بن احمد که بیشتر با عنوان « غلام ابن درید» از او نام برده‌اند. وی در بغداد، از «مقصوره» استادش دفاع می‌کرده و انتقادها را پاسخ می‌گفته است. دانشمندانی که در آن روزگار به خدمت شیخ کهنسال می‌رفتند، وی را سخت بزرگ داشته‌اند. شاید وصفی که خطیب بغدادی از او کرده، از همه کوتاه‌تر و جامع‌تر باشد: او « دانشمند ترین شعرا و شاعرترین دانشمندان» بود. مسعودی نیز وی را -چون در لغت به نهایت رسیده و در آن باب نوآوری‌ها کرده- جانشین خلیل می‌داند. ابو طیب لغوی هم که درباره او نظر مشابهی داشته، از این اندوه می‌خورد که نتوانسته است او را به سبب کهنسالی استاد ببیند، در عوض، از بزرگانی که او را دیده‌اند، اخذ علم کرده است (آذرنوش، ۱۳۷۴: صص ۵۰۰-۵۰۱).

شاگرد وی ابو علی قالی قصص ادبی مطبوعی از او در کتاب امالی خود نقل کرده است و چنان‌که علمای ادب اشاره کرده‌اند او نخستین کسی است که مقامه نویسی را در ادب عربی معمول کرد (صفا، ۱۳۵۱: ص ۳۵۳). البته این قول جای تامل دارد.

۲-۱-۲- مذهب ابن درید

ابن درید، از آنجا که در کار دین تعصبی نورزیده، هیچ اشارتی به مذهب خویش نکرده است و لا جرم همه پژوهش‌ها به چند احتمال ختم می‌گردد. ابن شهر آشوب نام او را در شمار شعرای شیعه آورده، به همین جهت غالب نویسندگان معاصر شیعی او را پیرو مذهب خویش خوانده و گاه شعری را که در مدح اهل بیت (ع) به وی منسوب است (و در دیوان نیامده) دلیل آن دانسته‌اند، اما مهاجرات او با شاعری شیعی به نام مفتح همچنان که خوانساری اشاره کرده ناقض این رای است. شاید بهتر بود این نویسندگان به یکی از کتاب‌های او به نام المجتنی و نقل قول‌هایی که از امام علی (علیه السلام) کرده است و آنجا که «علیه السلام» را به دنبال نام او نهاده، استناد می‌کردند. هر چند که این سند نیز چندان استوار نیست، زیرا وی، در جاهای دیگر از عبارت «رضی الله عنه»، «کرم الله وجهه»، «رحمه الله» استفاده کرده است. شافعیان نیز کوشیده‌اند او را به مذهب خویش ملحق کنند، چنان‌که سبکی و اسنوی نام او را در طبقات الشافعیه آورده‌اند و ابن قاضی شبهه نیز او را شافعی دانسته است. اساس استناد ایشان چیزی جز دو قصیده ای که وی در ستایش و رثای شافعی سروده نیست. (آذرنوش، ۱۳۷۴: ص ۵۰۲)

۲-۱-۳- آثار

۱- « الاشتقاق » کتاب الاشتقاق او اگر چه شبیه به کتب لغت است، اما دانش او را در علم انساب باز می‌نماید. در این کتاب، وی انبوهی نام‌قبیله و انسان را همراه انساب آنان و اشتقاق لغوی الفاظ گردآوری کرده است (آذرنوش، ۱۳۷۴، ص ۵۰۳). اشپولر معتقد است که ابن درید کتاب اشتقاق خود را عالماً و عامداً علیه ایرانیان نگاشته است (آذر نوح، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱-۲۱۲)، ۲- « تعلیق من املی ابن درید»، ۳- « جمهرة اللغة»، ۴- « دیوان»، که همان مجموعه اشعار ابن درید بوده و در منابع پراکنده است، ۵- « صفة السرج و اللجام»، ۶- « صفة السحاب و الغیث و اخبار الرواد و ما حمدوا من الکلام»، ۷- « کتاب الفوائد و الاخبار»، ۸- « المجتبی» که در بر دارنده مجموعه اقوال حکمت‌آمیز پیامبر اکرم (ص) و خلفای راشدین تا حسن بن علی (ع) است، ۹- « المقصور و الممدود» یا « المقصورة الكبرى» و « المقصورة الصغرى»، ۱۰- « المقصورة»، که در مدح امراى آل میکال سروده شده نخستین بار به کوشش هینسما و با ترجمه لاتینی در ایتالیا (۱۷۷۳م) به چاپ رسیده است، ۱۱- « الملاحن» ، ۱۲- « من اخبار ابی بکر بن درید»، این کتاب که ظاهراً توسط یکی از شاگردان ابن درید جمع‌آوری شده و شامل اقوال ابن درید است، ۱۳- « وصف المطر و السحاب و ما نعتته العرب الرواد من البقاع» (همان: صص ۵۰۴-۵۰۶).

۲-۱-۴- دیوان ابن درید

قفطی می‌گوید: شعر ابن درید بسیار است، و دیوان او در حدود پنج جلد می‌باشد، و گفته شده بیشتر از آن، و مسعودی گفته است شعر او بیشتر از آن است که بتوانیم آن را بشماریم. و مشخص است که بیشتر شعر او از میان رفته است، چرا که دیوان او را که محمد بدر الدین العلوی در قاهره در سال ۱۹۶۴م، و سپس عمر بن سالم در تونس به سال ۱۹۷۳م منتشر کرده‌اند کمتر از آن چیزی است که شعر او را توصیف نموده‌اند (راجی الاسمر، ۱۴۱۵هـ: ص ۱۶).

ابن درید در اشعارش گاهی زبانی سلیس و روان به کار می‌گیرد و گاهی کمالش را در دقائق لغوی آشکار می‌کند و به طور کلی حسن و زیبایی در اشعارش موج می‌زند. مثلاً در مقصوره‌اش که از زیباترین مجموعه اشعار اوست امثال و حکمی را به کار می‌گیرد که چگونه زیستن را می‌آموزد از جمله می‌گوید:

مَنْ لَمْ يَعِظْهُ الدَّهْرُ لَمْ يَنْفَعُهُ مَا رَاحَ بِهِ الْوَاعِظُ يَوْمًا أَوْ غَدَا

(ابن درید، ۱۳۶۵هـ: صص ۲۲-۲۳)

هر کسی که از حوادث روزگار عبرت نگیرد، پند و نصیحت واعظان هیچ فایده‌ای برای او ندارد، هر چند که شب و روز او ا پند دهند.

ابن درید توانایی والایی در مرثیه‌سرایی داشت، و درباره عمویش حسین بن درید، مرثیه‌ای بدیع سروده است. همچنین در مرثیه محمد بن جریر الطبری، که پرچم‌دار دین‌پژوهی و تاریخ‌نگاری عصر خود بوده، چنین سروده:

ان المنیة لم تُتلف به رجلاً بل أتلّفت علماً للدين منسوبا
 كان الزمانُ به تصفو مشاربُهُ و الآن أصبح بالتكدير مقطوبا
 (ضیف، بی تا: ص ۴۲۶)

مرگ تنها یک انسان را تلف نکرد، بلکه پرچم بر افراشته دین را نابود کرد، همان کسی که، روزگاری زمانه، با وجود او سراسر پاکی و نور بود هم اکنون با مرگ او تیره و کدر گشته است.

۲-۲- آل میکال

میکالیان خاندان برجسته‌ی ایرانی نژاد بودند که در تاریخ و فرهنگ ایران نقش مهمی را ایفا نمودند. آن‌ها سال‌ها ریاست نیشابور را بر عهده داشتند. از میان میکالیان طی سه سده، دانشمندان، شاعران، محدثان، ادیبان و سیاستمدارانی برخاستند که آوازه‌ی آنان حتی در زمان حیات خودشان به دور دست‌ترین نواحی جهان اسلام رسید. آن‌ها با در دست داشتن ریاست نیشابور به مدت طولانی، توانستند با طاهریان، سامانیان، و سرانجام غزنویان ارتباط برقرار کنند و به خدمت آنان درآیند. حتی یک نفر از این دودمان نیز به وزارت سلجوقیان رسید (باسورث، ۱۳۸۱: ص ۱۸۷). امیران میکالی بیشتر عربی‌دان بودند و شاعر یا ممدوح شاعران. ثعالبی در ستایش ایشان سخن بسیار آورده و اشاره کرده است که متنبی مدحشان گفته ابن درید جمهره و نیز مقصوره خود را برای ایشان نگاشته و ابو بکر خوارزمی خدمتشان کرده است. هنگامی که عبدالله میکالی از جانب مقتدر امارت خوزستان یافت، ابن درید را برای تربیت فرزندش اسماعیل نزد خود به اهواز (یا به فارس) خواند. حتی بنا به روایتی میکالیان، به پاداش جمهره، وی را بر دیوان رسائل فارس گماردند و هیچ نامه‌ای نبود که بدون تصحیح و یا تایید او صادر شود (آذر نوش، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶).

درباره نام درست این خانواده نیز «میکالیان» صحیح است و نه «میکائیلیان» زیرا که در همه‌ی مآخذ نام جدشان را «میکال» نوشته‌اند و شعرا و شاعرانی که آن‌ها را مدح کرده‌اند نیز میکال آورده‌اند (بیهقی، تصحیح نفیسی، ۱۳۵۶، ج ۲: ص ۹۶۹).

نسب میکال که دودمان به نام او خوانده می‌شود، بدین‌سان به بهرام گور می‌رسد: میکال بن عبد الواحد بن جبرئیل بن قاسم بن بکر بن دیواشتی [شور] ابن شور بن شور بن شور بن فیروز بن یزدجرد بن بهرام گور (سمعانی، ۱۴۰۱ هـ ۵۲۷).

ابو الحسن بیهقی که تقریباً همزمان با سمعانی اثر خود را نوشته است، نام یکی از اجداد مشهور آنان را دیواستی و لقب وی را «سور» ضبط کرده است (بیهقی، بی تا، ص ۱۱۷).

همچنین یاقوت حموی در «معجم الادبا» (حموی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۶) و ابن شاکر در «فوات الوفيات» (الکتابی، بی تا، ص ۴۲۸) هم به همین شکل نام جد آنها را «سور» آورده اند. درحالی که ابن اثیر (ابن اثیر، بی تا، ص ۲۸۳) و مؤلف تاج العروس (الزبیدی، بی تا، ص ۳۱۹) او را «شور» نامیده اند.

در اهمیت و شهرت این خاندان همین بس که افراد زیادی از این خاندان به وزارت رسیدند، مشهورترین کسی که از میان این خاندان به مقام وزارت رسید و مورد توجه و عنایت خاص سلطان محمود قرار گرفت، ابو علی حسن بن محمد بن عباس میکال، معروف به حسنک وزیر است. نام حسنک میکال وطن پرست نام آور ایران در قرن پنجم هجری در ردیف شهیدان ملی این مرز و بوم ثبت و ضبط و جاویدان گردید (حقیقت، ۱۳۵۴، ص ۲۶۴-۲۶۵).

وقتی که بوسهل زوزنی به حسنک وزیر لقب سگ قرمطی داد، حسنک در جواب او و در مدح خاندان خود چنین گفت: سگ ندانم که بوده است، خاندان من و آن چه مرا بوده است از آلت و حشمت و نعمت، جهانیان دانند (همان، ص ۲۵۹).

شخص دیگری هم که از خاندان میکالی وزیر شده، ابو عبد الله حسین بن علی میکال ملقب به رئیس الرؤسا است. وی چهره سیاسی برجسته عصر مسعود غزنوی بود که به دست سلجوقیان اسیر شد (ابن اثیر، ۱۳۸۲، ص ۵۷۶۹).

همچنین ابو محمد عبدالله رئیس نیشابور هم چند بار برای امر وزارت سامانیان انتخاب شد که از قبول آن شغل امتناع ورزید (سمعانی، ۱۴۰۱، ص ۵۲۸).

و ابو نصر میکالی نیز احتمالاً در اواخر عهد سامانیان به وزارت رسیده است (بیهقی، تصحیح نفیسی، ص ۹۸۳). گردیزی برای اولین بار نام او را آورده است (گردیزی، ۱۳۴۷، ص ۱۶۵). عتبی در تاریخ یمنی از ابو نصر یاد می کند و او را آراسته به فضل موفور و ادب مشهور و قدری رفیع و عزی منیع و... می خواند (جرفادقانی، ۱۳۴۵، ص ۲۵۳).

علاوه بر این درید شعرای بسیاری در وصف میکالیان و مقام شامخ ایشان شعر سروده اند. ابو بکر خوارزمی، ابو سعید شیبی خوارزمی، بحتری، بدیع الزمان همدانی و... از جمله ستایشگران آنان به شمار می روند. ابو بکر خوارزمی گوید:

نَجْرُ ذِيوَلِ الْفَخْرِ حَتَّى كَانْنَا لِعَزَّتِنَا فِي آلِ مِيكَالٍ نَتَمِّي

(تاریخ بیهقی، تصحیح نفیسی، ص ۹۶۹).

افتخار ما در زندگی به این است که در عزت و شرف به خاندان میکال منسوبیم.

ابو سعید شبیبی شاعر خوارزمی در مدح آل میکال و به خصوص ابو نصر احمد چنین گفته:

يا آل ميکال انتم مُعِرَّةُ العَجَمِ لكنَّ اَحْمَدَ فيکم دُرَّةُ الکرمِ

(تاریخ بیهقی، تصحیح نفیسی، ص ۹۶۹).

ای خاندان میکال شما همان انسان‌های بزرگ و مشهور قوم فارس هستید ولی احمد در بین شما همان گوهر بخشش و کرم است.

بحتری می‌گوید:

أحدوثةٌ عَجِبُ بَينَكَ عن خَبَري فيها و عن خبر الشاه بن ميکال

فَرَرْتُ منه حياءً عن قصوري عن جزاء ما زاد في جاهي و في مالي

(بحتری، ۱۴۱۵ ه، مجلد الثاني، ص ۳۶۳).

از اینکه نمی‌توانستم جواب لطف و محبت پادشاه را بدهم بسیار شرمنده بودم به همین دلیل همیشه از او فرار می‌کردم و این اتفاق عجیبی است که بین من و پادشاه روی داده است.

بدیع الزمان همدانی در مدح میکالیان و به خصوص ابو جعفر میکالی چنین گفته است:

يا بني ميکال و الجودُ لِعِلَّاتي مزيحٌ شرفاً إنَّ مجالَ الفضلِ فيکم لَفَسِيحٌ

(همدانی، ۱۴۰۷ ه، ص ۵۹).

ای خاندان میکال، کرم و بخشش فراوان شما شامل حال بزرگان قوم من هم شده زیرا زمینه‌های فضل و بخشش در بین شما بسیار گسترده و وسیع است.

۲-۳- عصر عباسی آغاز عصر طلایی

ابن درید به عنوان یکی از شعرا و لغویان مشهور عصر عباسی است که بی‌تاثیر از محیط عصر خود نمی‌باشد. در این بخش سعی نموده‌ایم به طور مختصر این عصر را مورد بررسی قرار دهیم. پس از قیام ابو مسلم و برپا شدن خلافت عباسیان، اندک اندک دست ایرانیان در سیاست و فرمانروایی باز شد، و با پدید آمدن پایگاه وزارت در دربار خلافت به تقلید از آیین شاهنشاهان ایران باستان، حلّ و عقد بسیاری از کارهای لشکری و کشوری به دست ایرانیان افتاد (تویسرکانی، ۱۳۵۰: ص ۶).

به جای اشرافی‌گری عرب، حکومتی آمد که مردم قلمرو خلافت از هر نژاد، در آن شرکت داشتند. مسلمانان قدیم عرب و بیگانگان نو مسلمان به هم ریختند و در هم گم شدند. عرب‌گری سقوط کرده بود اما اسلام به راه خود می‌رفت و در پس پرده‌ی اسلام جهانی، ایرانی‌ت اوج گرفتن آغاز کرده بود (حُتّی، ۱۳۴۴: ص ۳۶۲). و دوره‌ی اول عصر عباسی، به خاطر غلبه‌ی نژاد فارسی در آن «عصر فارسی» نامیده شده است (زیدان، ۱۹۹۶: ص ۱۶۸).